

بسم الله الرحمن الرحيم

# تأثير كورونا بر تعليم و تربيت

گردآورنده

زهرا شبرو

مقدمه:

انسان موجودی با ابعاد مختلف وجودی است. هر بعد از او دارای نیازهایی است که او را برای رفع آن به حرکت و تکاپو می اندازد. خداوند انسان را روحانی و جسمانی آفرید و در وجودش هدیه ای به نام عقل و قدرتی به نام تفکر قرار نهاد و او را به طبع آن از دیگر موجودات تمایز بخشید.

انسان در یک جامعه و زندگی جمعی، همراه با بدیهیاتی پا به جهان میگذارد. بعد از رفع نیازهای جسمانی که برای یک کودک توسط والدین او صورت می گیرد، مهم ترین دغدغه ی هر والدی و نیاز مسلم و اساسی هر کودکی؛ شناخت خداوند و جهان و خود است.

می توان گفت؛ شناخت این سه راس مثلث یکی از اهداف مهم انسان از خلقتش می باشد و او در مسیر زندگی خود برای درک و شناخت این سه راس تلاش می کند و نهایتاً سعادت او را به همراه دارد.

برای شناخت این سه مورد، نیاز ضروری و بسیار مهم انسان تعلیم و تربیت و یا آموزش و پرورش است.

انسان از بدو تولد تحت آموزش و پرورش والدین خود قرار می گیرد. و این آغاز فعالیت انسانی او است. او برای رفع نیازهای خود نیز به آموزش و پرورش رو می آورد و همچنین بقای او در یک زندگی جمعی و اجتماعی نیازمند همین فعالیت هاست.

اولین و ساده ترین بستر تعلیم و تربیت آغوش مادر است و در مرتبه ی دوم خانه و خانواده. انسان در هفت سال اول زندگی خود به صورت گسترده و همه جانبه تحت تعلیم و تربیت والدین و خانواده قرار می گیرد و به مرور زمان این بستر از خانواده

به بستری اجتماعی تر یعنی مدرسه تبدیل می شود؛ البته ناگفته نماند که فضای آموزش و پرورش شی خانواده به قوت خود باقی می ماند.

در این مختصر گفتاری که بیان خواهد شد؛ به صورت گزیده تعاریفی از تعلیم و تربیت و اهمیت آن و تفاوت آن ها بیان خواهد شد و به مراتب به جایگاه آن در زندگی بشر و زندگی اجتماعی و مشکلات و کم و کاستی های آن؛ خصوصا در دوران بحران کرونا پرداخته خواهد شد.

تعلیم و تربیت از دیدگاه مکاتب و برخی افراد:

تعلیم و تربیت در همه ی مکاتب (فقهاء، عرفاء، فلا سفهء، شعراء) مورد بحث قرار گرفته است. در طبقه بندی فلسفی این امر دقیق تر و عمیق تر صورت گرفته است که شامل پنج مکتب می باشد.

1. مکتب ایده آلیسم: که در این مکتب هدف از تعلیم و تربیت، پرورش بی واسطه استدلال و شخصیت است. محتوای آن، مطالب انتزاعی در قالب آثار مکتوب تاریخ، یک موضوع طبیعی است. (1)

2. مکتب رئالیسم: هدف، شناخت جهان از طریق به کارگیری عقل است و محتوای آن مطالعه ی بی واسطه ی جهان خارج و فعالیت استقرایی را برای عقل میسر می سازد، درحالیکه در آن واحد دانش جدیدی را در موردخود جهان نیز فراهم می سازد. (2)

3. مکتب نئوتوتوسیسم: هدف از تعلیم و تربیت رشد بلاواسطه عقل و اراده است. محتوای آن، همه موضوعات انتزاعی، از جمله موضوع های مذهبی که افراد را وادار می کند بدون هیچ تردیدی آنها را مطالعه کنند و فرا بگیرند. (3)

4. مکتب پراگماتیسم: هدف افزودن به معنای تجربه، به ویژه تجربه اجتماعی، به نحوی که فرد بهتر بتواند فرآیند تجارب آینده را هدایت کند و محتوای آن تجربه بلاواسطه انسانی، تمرکز بر مسائل اجتماعی کنونی است که دانش آموزان در یک جامعه خاص تجربه کرده اند. (4)

5. مکتب اگزیستانسیالیسم: هدف، برانگیختن یا تقویت آگاهی، که به نوبه خود در بهبود انتخاب های فردی به کار خواهد رفت و در محتوا، تمرکز بر محتوا، خیلی کمتر از تمرکز بر نگرش فرد نسبت به محتواست. با این حال، محتواهایی نظیر هنر، که بین دستاوردهای فردی هستند و نیز ادبیات موضوع های حائز اولویت هستند. (5)

افرادی که در حوزه تعلیم و تربیت سخن گفته و تحقیق کرده اند بسیارند. ما به برخی از آنها اعم از مسلمان و غیر مسلمان اشاراتی خواهیم کرد.

شیخ اشراق می گوید: تعلیم و تربیت فرآیندی است که انسان با عرفان به خود و رهایی از علائق به رتبه فنا می رسد. (6)

ابن سینا می گوید: تعلیم و تربیت برنامه ریزی و فعالیت فرد و جامعه در جهت سلامت خانواده و رشد کودک و تدبیر شئون اجتماعی برای وصول انسان به سعادت دنیوی و اخروی است. (7)

ارسطو می گوید: تعلیم و تربیت مجموعه اعمالی است که به وسیله خانواده یا دولت برای ایجاد فضائل اخلاقی و درونی در افراد صورت می گیرد. (8)

انسانی که تازه به این جهان قدم می گذارد با بدیهیاتی زندگی را آغاز می کند، اما این بدیهیات همه ی او نیست. آدمی از بدو تولد تحت تعلیم و تربیت قرار می گیرد طوریکه گویی در ذات او نهادینه شده است و وجودش به صورتی شکل گرفته است که نیاز به آموزش و پرورش از اصول رشد و بالندگی روح او می باشد.

با توجه به تعاریفی که ارائه شد می توان گفت: انسان موجودی است که بالذات نیازمند آموزش و پرورش در زمینه های فردی و اجتماعی است و برای سعادت خود آن را دنبال می کند. تعلیم و تربیت چیزی جدای از او نیست و انسان بدین طریق توانایی های بالقوه ی خود را بالفعل می کند.

تفاوت مفهوم تعلیم و تربیت:

در بحث تعلیم و یا آموزش هدف اصلی انتقال معلومات و دانش است. در تعلیم بیشتر با یک بعد از وجود انسان یعنی بعد شناختی و عقلانی سروکار داریم. در تعلیم و یا آموزش معمولاً توسط معلم و در جایی معین، همچون کلاس و مدرسه صورت می پذیرد و آموزش جنبه ی رسمی، عمومی، برنامه ریزی شده و آشکار دارد.

اما در بحث تربیت و یا پرورش، هدف رشد دادن و شکوفایی همه ی قابلیت ها و توانایی های بالقوه انسان است. در تربیت به صورت فراگیر و همه جانبه با تمام ابعاد وجودی انسان سروکار داریم. محیط تربیت صرفاً مدرسه و کلاس درس نیست. همه ی عوامل موجود در محیط به نحوی بر فرد تاثیر گذار است. پرورش به معنایی، انتقال ارزش هاست و فرآیندیست غیر رسمی، غیر عمدی و درونی.

اهمیت تعلیم و تربیت:

تعلیم و تربیت در طول تاریخ بشر، بیش از هر فعالیت اجتماعی دیگر اهمیت داشته است. در بیان اهمیت تعلیم و تربیت کافی است گفته شود که تحقق گوهر آدمی منوط بدان بوده و فعالیت هایی که تحت عنوان آموزش و پرورش در مورد انسان اعمال می شود، شرط لازم رشد و تکامل است. (9)، از طریق آموزش و پرورش صحیح می توان برای مردم، زندگی بهتر و مرفه تری ایجاد نمود و بر عکس در صورت عدم توجه به نیازها و خواسته های افراد و تحت روش ها و اصول نادرست، وسیله سقوط و نابودی آنها را فراهم آورد. مطالعه نظام های آموزشی تحت حاکمیت دولت های مختلف در طول تاریخ، موید این

واقعیت است.(10) «گر چه آموزش و پرورش، بالقوه این دو خاصیت را به همراه دارد، لیکن در مجموع، همواره در طول تاریخ در تداوم و بقای جوامع بشری نقش اصلی و اساسی را ایفا نموده است. از طریق فراگردهای تعلیم و تربیت است که آداب و رسوم، اعتقادات، ارزشها و نگرشها، رفتارها، دانشها و مهارت‌های جامعه، دوام یافته و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود».(11) بدین ترتیب آموزش و پرورش نزد افراد جامعه و به خصوص گردانندگان امور آن، دارای اهمیت فراوانی بوده و خواهد بود و بدین جهت، به وسیله افراد اجتماع و به مقاصد معین شکل می‌گیرد.

تعلیم و تربیت در سیر تاریخی خود، دچار تحولات اساسی شده است. در گذشته زندگی خانوادگی، کار گروهی و مراسم مذهبی به عنوان عوامل اصلی آموزش و پرورش به شمار می‌رفتند، لیکن در جوامع امروزه فرایند تعلیم و تربیت کودکان از خانواده شروع می‌شود و سپس یک سازمان اختصاصی به نام مدرسه مسئولیت ایفای این وظیفه را به طور رسمی به عهده می‌گیرد و ادامه فعالیت‌های تربیتی به طور عمده در شرایط و موقعیت‌های سازمان یافته، طبق برنامه‌های مشخص و به منظور تحقق اهداف معینی صورت می‌گیرد.(12). به طور خلاصه می‌توان چنین عنوان کرد که در اجتماعات اولیه فعالیت انجام می‌شد و دیگران نیز می‌آموختند و این کار تکرار می‌شد تا جایی که به اساس کرد برای تعلیم و تربیت بهتر احتیاج به نظم و تربیت خاصی دارد. لذا مدرسه با توجه به تشخیص این نیاز اساسی در طی هزاران سال، شکل کنونی خود را یافته، از تکنولوژی پیشرفته زمان و وسایل پیچیده علمی سود می‌برد تا به هدف‌های مورد انتظار خود دست یابد(13)

بدین ترتیب نظام‌های آموزشی به مرور زمان شکل نوینی گرفته و رشد یافتند. در جهان کنونی نظام تعلیم و تربیت یک پدیده عام اجتماعی

است و جزء لاینفکی از زندگی اجتماعی محسوب می‌شود. با وجود تفاوت در ساختار، عملکرد و ویژگی‌های آن در جوامع مختلف وجود مشترکی نیز میان این نظام‌ها یافت می‌شود. پیدایی و گسترش نظام‌های تعلیم و تربیت بیانگر ضرورت اهمیت روز افزون فرایند تعلیم و تربیت در دنیای فعلی است. نیاز به آموزش و پرورش در شرایط فعلی موجب شده است که در اغلب کشورهای جهان این نظام‌ها همراه با تغییرات اجتماعی به تدریج از یک حالت ساده و ابتدایی به یک حالت پیچیده مبدل شوند.(14). این نوع آموزش و پرورش با ویژگی‌های خاص خود، مدرن‌ترین و بهترین راه انتقال دانش، تجربه و مهارت

تلقی می شود. اکنون بسیاری از متخصصین در رشته های مختلف حاصل فراگردهای پیچیده تعلیم و تربیت در نظامهای فعلی می باشد.

عوامل موثر بر تعلیم و تربیت:

با توجه به اهمیت و فراگیری بحث تعلیم و تربیت در یک جامعه و اینکه جزء جدا نشدنی از یک جامعه می باشد، این امر مهم می تواند تحت تاثیر عواملی قرار گیرد که نتیجه های مثبت و منفی آن بر رشد و بالندگی افراد و جامعه اثرگذار و مسیر آموزش و پرورش را دستخوش تغییراتی کند. از این عوامل، می توان از این موارد نام برد:

الف) محیط طبیعی و جغرافیایی انسان و منطقه ای که در آن رشد و نمو می کند، خواه ناخواه یک سلسله آثار قهری بر روی اندام و روحیه انسان می گذارد. در این عنوان میتوان از مسایل بلایا و اتفاقات طبیعی نیز همچون سیل و زلزله و... نام برد که متأسفانه میتواند امر آموزش و پرورش را به شدت تحت تاثیر قرار دهد.

ب) محیط اجتماعی عامل مهمی در تکویت خصوصیات روحی و اخلاقی انسان است

ج) مدرسه و به بیان کلی تر محیط تعلیم و تربیت همچون خانواده از مهمترین عوامل ماثّر در تربیت است. نقش معلم و مربی در شکلگیری شخصیت انسانی و ساختار روحی و رفتاری او از نقشهای کلیدی است. محیط مدرسه از جمله مهمترین عوامل ماثّر در تربیت به نحو اقتصاست که میتواند استعدادهای آدمیان را در جهات مثبت و منفی سامان دهد و اشخاص عالم، عاقل، متفکر، عدالت جو، فداکار و یا خلاف اینها تحویل جامعه دهد.

د) انسان به فطرت خود در سراسر زندگی خویش میل به رفاقت و دوستی دارد و رفقا و دوستان نه تنها با هم انس میگیرند و مصاحبت و همنشینی موجبات شادمانی و نشاط یکدیگر را فراهم میآورند بلکه هر رفیقی به مقیاس درجه رفاقت و دوستی در امور مادی و معنوی دوست خود نفوذ میکند و هر یک دانسته و ندانسته روی عقاید و اخلاق و رفتار و گفتار یکدیگر تاثیر می گذارد.

ه) محیط خانواده و بخصوص عوامل انسانی آن بر تعلیم و تربیت بسیار تاثیر گذار است و تاثیرگذاری کودک و روابط عاطفی درون خانواده بر آن می افزاید.

البته محیط های دیگر نیز که به نحوی انسانها را دربر میگیرند به نحو اقتضا بر خلق و خو و رفتار و کردار انسانها تاثیر میگذارند مانند حکومت و حاکمیت، قوانین و مقررات که بسیاری از ویژگی های اخلاقی و رفتاری مردمان را شکل میدهند. همچنین رسانه ها و وسائل ارتباط جمعی اعم از کتاب، روزنامه، مجله، رایو و تلویزیون، سینما و خبر، اینها به وجود آورنده محیط های خاص و فضاهای ویژه در شکل دادن ساختار تربیتی انسانها و از عوامل مهم محیطی به شمار می آیند. (15)

با توجه به اینکه امر آموزش و پرورش جزء لاینفک زندگی فردی و اجتماعی است؛ بسیار هم تحت تاثیر عوامل مختلف می باشد. در جهان امروز و چالش های متفاوت آن این امر به دغدغه ای جدی تبدیل شده است.

در دنیای امروز مسائلی چون جنگ، بلایای طبیعی، اختلافات طبقاتی، بی عدالتی های اجتماعی در تمام جوامع و بیماری های مختلف و.... همه بر بحث آموزش و پرورش تاثیر جدی گذاشته اند.

تاثیر کرونا بر شیوه های تحصیل و مدرسه:

در تاریخ تعلیم و تربیت جهان احتمالاً نمی توان رویدادی را بر شمرد که دارای چنان قدرتی باشد که توازن را با شد مدارس اکثر کشورهای جهان را به تعطیلی بکشاند. حتی مخاطرات طبیعی چون طوفان، سیل و زلزله در بدترین حالت فقط می توانند مدارس همان مناطق را تعطیل کنند و شعاع آسیب های اجتماعی و روان شناختی آنها کمتر و کوچکتر از آن است که بتواند اقصا نقاط جهان را تحت شمول قرار دهد. اما امروزه جهان شاهد این تجربه است، تجربه بدیعی که همه گیری ویروس کرونا ایجاد کرده است. ویروسی که احتمالاً کوچکتر از آن است که با چشمان غیرمسلح دیده شود، اما دارای چنان قدرتی است که توانسته اقتصاد جهان را تحت تأثیر قرار دهد، بحران های اجتماعی و بهداشتی ایجاد کند، بسیاری از مراکز و مشاغل را تعطیل نماید و آموزش عالی و ابتدایی اغلب کشورها را از مسیر طبیعی و عادی خود خارج نماید.

بدین جهت با شیوع کرونا، نظام های تعلیم و تربیت در حال از سرگذراندن تجارب بدیعی هستند. تجاربی که فرصت ها و تهدیدهای بسیاری خلق کرده است و در عین حال نقاط قوت و ضعف تعلیم و تربیت کشورها را نیز بیش از پیش آشکار نموده است. بر این اساس دولت ها، سازمان های بین المللی، مراکز مردم نهاد و دیگر نهادها به تکاپو افتاده اند تا آسیب



های احتمالی همه گیری کرونا را به حداقل برسانند و در عین حال مدارس و مراکز آموزشی را در مسیری هدایت کنند تا آنها بتوانند همچنان با کارآمدی و اثربخشی به حیات خود ادامه دهند.

اما به طور اخص، برای مدیریت و رهبری اثربخش پیامدهای بحران کرونا در میدان مدارس، نخست لازم است حداقل نسبت به این مسئله روشنگری صورت گیرد که در مدارس همه گیری ویروس کرونا چه آثار و پیامدهایی به همراه داشته است

و در امتداد شیوع این ویروس، نزدیک ترین افراد به صحنه یادگیری، یعنی «معلمان»، «دانش آموزان» و «والدین»، چه تجاری از سر گذرانده اند؟ بدین جهت در این نوشتار چنین فرض شده است که در میدان مدرسه فرایند آموزش و یادگیری مبتنی و متأثر از سه ضلع اصلی معلمان، دانش آموزان و والدین است و این اضلاع با یکدیگر در تعامل و ارتباط متقابل هستند.

کرونا، معلمی، امر تدریس و دانش آموزان:

تدریس به عنوان ارتباطی متقابل بین یاددهنده و یادگیرنده، ذاتاً دارای ماهیتی اخلاقی، عاطفی و زیبایی شناختی است. زیرا در فرایند تدریس، معلم نه تنها با قوای شناختی دانش آموزان، که با روح و روان و قلب های دانش آموزان در ارتباط است. به همین دلیل تدریس را نمی توان به مجموعه ای از دستورالعمل ها و قواعد روتین، خطی، مکانیکی و مرزبندی شده تقلیل داد. در حقیقت اگر در میدان مدرسه هر دانش آموز را به عنوان انسانی متمایز و یگانه تعریف کنیم، آنگاه خواهید دید که تدریس به مثابه تعاملی چندلایه انسانی، مقوله ای جدای از روح و روان و جان نیست اما مسئله این است که با همه گیری ویروس کرونا، تدریس به عنوان تعامل و تجربه ای زنده و پویا، با چالش ها و دوراهی هایی جدی مواجه شده است. برای مثال حضور فیزیکی دانش آموزان، از دسترس معلمان خارج شده است. معلمی که تا چند ماه قبل از طریق زبان بدن، حالات چهره و نوع شیطنت های دانش آموزان، قادر بود به نیازهای آنها پاسخ بگوید و بدون کلام، به بسیاری از نیات و درونیات آنها راه برد، اکنون در وضعیتی قرار گرفته است که از کیلومترها فاصله و با چشم دوختن به صفحه تلفن همراه، تبلت و رایانه باید با اعضای کلاس به گفت و گو بنشیند و حال آنها را دریابد. از این رو می توان گفت معلمی که در وضعیت

همه گیری کرونا تدریس می کند، با ابهام چندلایه هستی شناختی مواجه است، یعنی ابهام در هستی خویش، ابهام در هستی دانش آموزان و ابهام در هستی تدریس.

وقتی یک دانش آموز در طول عمرش حتی یک بار کفشدوزک واقعی ندیده است، وقتی دانش آموزی در محیط طبیعی قرار نگرفته تا شته های نشسته بر برگ گیاهان را کشف و شناسایی کند و مورچه هایی که از تنه درختان بالا و پایین می روند را ببیند، معلم چگونه می تواند به صورت عینی به فراگیران نشان بدهد که بین زندگی بی مهره ها و زندگی انسان ها ارتباط وجود دارد؟ وقتی دانش آموزان از لذت لمس طبیعت و کاوش در دل طبیعت محروم هستند، معلم چگونه می تواند بدون وعظ و نقالی فراگیران را آگاه نماید که طبیعت نیز دارای روح و جان است و همه افراد می باید از طبیعت و محیط زیست مراقبت کنند و نسبت به حیات جانداران حساس باشند؟ والدگری اساساً دارای ویژگی هایی است که آن را نمی توان برون سپاری کرد.

هر چند این پرسش ها، پیش از کرونا نیز مطرح بوده اند، اما با شیوع کرونا و اعمال محدودیت در تجمع دانش آموزان در محیط های طبیعی و عدم امکان حضور آنها در مدرسه برای انجام کارهای گروهی و مشارکتی، مسائل و چالش هایی از این دست بیشتر خودنمایی می کنند.

بنابراین در چنین ابهام هستی شناختی است که معلم خود را در برابر آینه ای هزار تو می بیند تا از خود بپرسد، آیا در فضای مجازی صرف تو ضیح دادن یک مفهوم، باعث یادگیری و درونی شدن آن مفهوم در دانش آموزان خواهد شد؟ وقتی چند دانش آموز به تلفن همراه، تبلت یا ابزارهای دیگر برای پیوستن به کلاس مجازی دسترسی ندارند، من معلم چه کاری می توانم یا باید انجام دهم؟ وقتی والدین امکان پرداخت هزینه اینترنت را ندارند و نمی توانند بسته های اینترنت خریداری کنند، از دست من معلم چه کاری برمی آید؟ وقتی ساعت تدریس مجازی با ساعت حضور دانش آموزان و والدین هماهنگ نمی شود، چه باید کرد؟ وقتی آزمایش ها و فعالیت های کتب درسی جنبه تجربی و عملی دارند، اما دانش آموزان در محیط خانه امکان تجربه ورزی ندارند، چه راهکارهایی می توانند وجود داشته باشد؟ آیا این خود دانش آموزان هستند که در کلاس های مجازی مشارکت دارند، یا والدین و دیگر اعضای خانواده اند که به جای آنها در کلاس های درس حاضر می شوند؟

مدرسه، فقط یک مکان آموزشی نیست و معلم نیز فقط یک فرد یاددهنده تلقی نمی شد. بلکه مدرسه بستر تلاقی فرهنگ هاست. زیرا مدرسه زمینه ای فراهم می کند تا دانش آموزانی از انواع قومیت ها، زبان ها و گویش ها، با گستره ای متفاوت از سطوح اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی و فرهنگی کنار هم گرد آیند و برای ساعاتی با هم زندگی کنند. لذا این بسترها نه تنها شرایطی فراهم می کند تا فضای مدرسه به یک فضای خاص، جذاب و خاطره انگیز تبدیل گردد، بلکه بسیاری از یادگیری های دانش آموزان؛ به شکل پنهان و ضمنی در همین بسترها اتفاق می افتند. از این رو یکی از مهمترین کارکردهای این بسترها، تأمین بسیاری از نیازهای روان شناختی و اجتماعی دانش آموزان است. پیدا کردن دوست جدید و آشنایی عملی با آیین دوستی، اطلاع از اخبار و وقایع کوچه، محله، شهر و کشور، امکان پرسیدن ابهام ها و پرسش ها از همگنان، بازی در زنگ های تفریح و تخلیه انرژی، تبادل تجربیات و آموخته ها و پیگیری فعالیت ها و برنامه ریزی های مرتبط با خارج از مدرسه، از جمله مهمترین این نمونه هاست.

اما چالش تربیتی این است که با همه گیری ویروس کرونا، دانش آموزان بسیاری از این بسترها را از دست داده اند. به عبارتی توانمان شدن اجتناب خروج از خانه و تعطیلی مدارس، دانش آموزان را به اجبار به یک نوع انزوای اجتماعی دعوت کرده است، تجربه ای که با ذات پُر هیاهوی کودکی سازگار نیست. در سوی دیگر، دانش آموزان به سر سفره آموزش های از راه دور دعوت شده اند تا خوراک های فکری و نیازهای درونی خویش را در رسانه های ملی، شبکه های مجازی و کانال های برخط تأمین نمایند.

بنابراین می توان گفت تغییر ناگهانی در میدان پیشین مدرسه، دانش آموزان را با شتابی ناگهانی به میدان فضای مجازی پرتاب کرده است. میدانی که هر چند گروهی از مخاطبان امکانات و ابزارهای اتصال و استفاده از این میدان را دارند، اما اصول، مبانی و فرهنگ استفاده از این امکانات و ابزارها، غایب بزرگ این میدان است. همچنین در سوی دیگر گروهی قرار دارند که از حداقل ابزارها و امکانات برای بهره مندی از آموزش های از راه دور محرومند

برخی از آسیب های محتمل در میدان مدرسه بعد از کرونا:

دلتنگی نسبت به معلم و فضای مدرسه

دورافتادگی از دوستان و همکلاسی ها

از دست دادن زنگ ورزش و فرصت های تخلیه انرژی

از دست دادن فرصت گفتگو و تعامل

کم شدن تعامل والدین با مدرسه

ضعف در یادگیری دروس

و.....

کرونا و والدین:

همکاری و همراهی والدین از مهمترین زمینه های کارآمدی و اثربخشی برنامه های آموزشی هر مدرسه است. به عبارتی بدون مشارکت خانواده ها و حضور و همراهی والدین، مدرسه به یک محیط خشک و ایزوله تبدیل خواهد شد. لذا حضور پویا و زنده خانواده ها، می تواند محیط مدرسه را نیز زنده و پویا نماید.

اما مسئله این است که با همه گیری ویروس کرونا، ناگزیر نوع روابط خانواده ها نیز با مدارس دچار تغییر و تحول شده است. برای نمونه پیش از شیوع ویروس کرونا، حضور خانواده ها در اغلب مدارس فقط به چند رویداد خاص محدود می شد، مواردی چون: ثبت نام دانش آموزان در بدو سال تحصیلی، زمان گرفتن کارنامه ها، جلسات آموزش خانواده و هر صبح و ظهر هنگام شروع و تعطیل شدن مدرسه برای سپردن فرزندان و بردن ایشان به خانه. بنابراین، اغلب والدین با توجه به این رویدادها و نمونه های دیگری چون: دریافت کمک های مالی، نقص در پرونده و مسائل تربیتی، حضور در مدرسه را تجربه می کردند.

اما بعد از شیوع ویروس کرونا، از آنجا که محیط خانه نیز به فضای جدید مدرسه الحاق شده است، لذا والدین و دیگر اعضای خانواده نیز امکان حضور در کلاس های مجازی را به دست آورده اند. اگر پیش از این والدین اجازه نداشتند در کلاس درس حضور یابند تا در کنار فرزندان خویش، فرایند تدریس معلم ها را تجربه کنند، اینک در آموزش مجازی این وضعیت وارونه شده است، چنان که گاهی معلم نمی تواند تشخیص دهد عضوی که در کلاس مجازی حضور دارد، یا به برخی از پرسش ها جواب می دهد، دانش آموز است، یا یکی از اعضای خانواده و والدین ایشان. بنابراین در آموزش های از راه دور این فرصت

در اختیار والدین قرار گرفته است تا بتوانند به فرایند تدریس معلم نظارت بیشتری داشته باشند، هر لحظه که می خواهند رویدادهای کلاس را پایش نمایند و دوشادوش فرزندان خویش تدریس معلم را تجربه کنند.

اما مسئله این است که این تجربه برای والدینی که امکانات اتصال به فضای مجازی و تاحدی سواد رسانه ای دارند مقدور است. چراکه در بسیاری از مناطق شهری و روستایی، خانواده ها ابزارهای پیوستن به فضای مجازی و هزینه پرداخت اینترنت را ندارند. برخی والدین سر کار می روند و نمی توانند تلفن همراه خود را به فرزندان خویش برای شرکت در کلاس مجازی بسپارند. برخی والدین چند فرزند در سنین مدرسه دارند و فقط یک ابزار اتصال به فضای مجازی، لذا امکان هماهنگی استفاده از آن برای فرزندانشان دشوار است. و در سوی دیگر والدین کم سواد و بی سواد قرار دارند که نمی توانند حامی فرزند خویش در استفاده بهینه از یادگیری از راه دور باشند. برای مثال والدینی که با دشواری تلفن همراه و تبلت برای فرزندانشان تهیه کرده اند، اما نمی دانند و نمی توانند پایه پای آنها آموزش مجازی را تجربه کنند، والدینی که وقتی فرزندشان تلفن همراه در دست می گیرد، فکر می کنند کلاس مجازی تشکیل شده است، فارغ از این که فرزندشان در حال تجربه محتوای دیگری است!

نتیجه این که کرونا وضعیتی پدید آورده است تا خانواده ها بتوانند دسترسی بیشتر و سهل تری به کلاس های درس داشته باشند و راحت تر مسائل آموزشی فرزندان شان را پایش نمایند، اما بیم آن می رود که به دلیل کم سواد و عدم مرجعیت والدین، فرایند یادگیری بسیاری از دانش آموزان با اختلال و مشکل مواجه گردد. در آموزش های از راه دور این فرصت در اختیار والدین قرار گرفته است تا بتوانند به فرایند تدریس معلم نظارت بیشتری داشته باشند، هر لحظه که می خواهند رویدادهای کلاس را پایش نمایند و دوشادوش فرزندان خویش تدریس معلم را تجربه کنند.

کرونا و تغییرات محیط و سبک مدرسه:

با شیوع کرونا ساخت و بافت مدارس نیز دچار تغییر و تحول بنیادین شده است. به عبارتی اگر فرض کنیم مدرسه در احاطه برخی رویدادها و رفتارهای ویژه است، و اکثر این رویدادها و رفتارها نیز به طور معمول در اغلب مدارس دیده می شوند، می توان به این نتیجه رسید که غیاب این پدیده ها، به معنای غیاب مدرسه در تعریف و معنای متعارف آن خواهد بود. برای نمونه تا سال قبل پدیده هایی چون: «صف صبحگاهی»، «سرویس مدارس»، «زنگ-های تفریح»، «حضور فیزیکی معلم و

دانش‌آموزان در کلاس درس»، «رفتن دسته‌جمعی دانش‌آموزان به انواع اردوها»، «زنگ ورزش و مسابقات فوتبال»، «برگزاری نماز جماعت»، «کیف‌های سنگین بر دوش دانش‌آموزان»، «صف خرید خوراکی از بوفه مدرسه»، «ترافیک جمعیت هنگام به صدا درآمدن زنگ پایانی مدرسه»، «نشستن هم‌زمان چند دانش‌آموز کنار هم و بر روی نیمکت‌های کلاس»، «دنبال هم گذاشتن و بازی‌های دانش‌آموزان در حیاط مدرسه» و موارد مشابه دیگر، جلوه‌ها و نمودهایی بودند که نه تنها مدرسه را تعریف می‌کردند، که حتی از لحاظ ماهیت و کارکرد، محیط مدرسه را از دیگر محیط‌های اجتماعی متمایز می‌کردند

اما نکته اینجا است که با شیوع کرونا نه تنها بسیاری از مفاهیم و پدیده‌های فوق، به شکل ناگهانی از میدان مدرسه غایب شده‌اند که پدیده‌هایی دیگر، به عنوان نمادهایی از مدرسه، جایگزین این مفاهیم شده‌اند. مواردی چون: «شبکه شاد»، «دانش‌آموزان، معلمان و والدینی که در امتداد هر شبانه روز تلفن همراه یا تبلت به دست دارند»، «ماسک»، «مایع ضدعفونی کننده»، «بسته‌های اینترنت»، «تدریس مجازی»، «تشکیل گروه و کانال در شبکه‌های مجازی»، و غیره از جمله مهمترین نمودهایی است که اینک مدرسه را تعریف کرده است.

بنابراین با مقایسه دو میدان فوق آشکار می‌گردد که با شیوع کرونا، مفهوم و معنای مدرسه دچار نوعی تحول و دگردیسی شده است. لذا محیط مدرسه، بافت مدرسه و فضای مدرسه، دیگر آن معنا و مفهوم سنتی و متعارف را ندارد و چه بسا بیم آن می‌رود که حتی با کاهش یا کنترل ویروس کرونا، مدرسه هیچ‌گاه به معنای دیرین خود باز نگردد.

بنابراین شیوع ویروس کرونا می‌تواند فرصتی برای تغییر و تحول چندلایه در فرهنگ و ساختار آموزشی باشد.

به عبارت دقیق‌تر بستر آموزش مجازی، معلم‌ها را به سمت عبور از روش‌های تدریس سنتی و آشنایی با رویکردها و ابزارهای یادگیری الکترونیک و آموزش از راه دور سوق داده است. با الزام و اجبار حضور دانش‌آموزان در خانه، احتمالاً بسیاری از خانواده‌ها نگاه قدرشناسانه‌تری نسبت به کارکردها و نقش مدرسه و به تبع آن معلم‌ها پیدا خواهند کرد. چرا که امروزه بسیاری از خانواده‌ها امر والدگری و تربیت را کاملاً برون‌سپاری کرده‌اند. چنان‌که انتظار دارند مدارس و دیگر مراکز موازی آموزشی به تربیت و بارآوردن استعدادها و ظرفیت‌های فرزندان آنها بپردازند، این در حالی است که با تعطیلی

و غیرحضورى شدن آموزش ها، احتمالاً این گروه از والدین متوجه خواهند شد که تربیت مقوله پیچیده اى است و والدگری اساساً داراى ویژگی هاى است که آن را نمى توان برون سپارى کرد. علاوه براین، به دلیل ناهم خوانى و ناسازگارى محتوا و برنامه هاى درسى مقاطع مختلف تحصیلى، با ساختار و بستر فضائى آموزش مجازى، ناگزیر انتظار مى رود که در آینده منابع درسى نیز دچار تغییر و تکامل گردد. بنابراین با آشکار شدن ضعف ها، ناکارآمدى ها و محدودیت هاى نظام تعلیم و تربیت، فرصت ها و تهدیدهاى بى شماری در میدان جدید مدرسه ایجاد شده است.

با این وصف، آموزش از راه دور و حضور در میدان جدید مدرسه، نقاط قوت بسیارى نیز به همراه داشته است. برای مثال از آنجا که اغلب دانش آموزان به استفاده از تلفن همراه، تبلت، رایانه و دیگر ابزارهاى فناورى علاقه دارند، لذا این توفیق اجبارى با علایق بسیارى از فراگیران پیوند خورده است. به همین دلیل والدین نیز احتمالاً در تقابل با گذشته، مقاومت کمتری در استفاده فرزندان شان از این ابزارها خواهند داشت. همچنین اگر در گذشته، دانش آموزان در امتداد سال تحصیلى، ناگزیر از تجربه تدریس فقط معلم کلاس خود بودند، اینک به مدد شبکه آموزش و کانال هاى مجازى، شرايطى فراهم شده است تا فراگیران بتوانند فیلم هاى تدریس دیگر معلمان را نیز ببینند و از تجربیات تدریس گستره عظیمى از معلمان در سرتا سر کشور بهره مند گردند. به عبارتى دانش آموزان یک پایه تحصیلى خاص، با یک جست و جوى ساده در فضائى مجازى، مى توانند به انواع فایل ها از جانب طیف گسترده اى از معلم ها دسترسی پیدا کنند.

افزون براین، با تعطیلى مدارس احتمالاً دانش آموزان هر صبح به دلیل دیرتر بیدار شدن از خواب، از احساس خواب آلودگى صبحگاهى نجات یافته اند، از کیف هاى سنگینی که مجبور بودند هر روز بر دوش خود حمل کنند، از سرویس هاى بهداشتى مدارس که داراى سطح بهداشتى مطلوبى نبودند، از اجازه گرفتن برای آب نوشیدن و غذا خوردن در کلاس، از تحت فشار بودن برای پوشیدن لباس هاى فرم، از گوش سپردن اجبارى به نقالى هاى مدیر و ناظم مدرسه درصف صبحگاهى، و از بسیارى دیگر از قوانین مدرسه رهاى یافته است.

دانش آموزان در بستر آموزش مجازى، و به تعبیری در میدان جدید مدرسه، از بسیارى از ضوابط و قوانین آموزشى مدرسه رهاى یافته اند. قوانین و حصارهاى که بافت سنتى مدرسه ایجاد کرده بود و بسیارى از آنها با اقتضائات و ویژگی هاى

درونی و وجودی دانش آموزان سازگار و همخوان نبود. بنابراین اینک با شکستن دیوارهای مدرسه، دانش آموزان مجال یافته اند تا هوایی فراتر از هوای مدرسه و آسمان کلاس های درس را به درون ریه های خود راه دهند و آن را استنشاق کنندست. (16)

یکی دیگر از نتایج مثبت تاثیر کرونا بر سبک آموزش و پرورش مجازی تقویت جایگاه معلمان و شناسایی نقاط ضعف و قوت احتمالی آنها مانند عدم اشراف بر فضای آموزش الکترونیک، تقویت رویکرد فطرت گرایی توحیدی، تقویت روحیه تعلق ملی و دینی و تحکیم ارتباط میان اعضای خانواده است. (17)

آثار مثبت و منفی کرونا بر تعلیم و تربیت امری است که با گذر زمان بیشتر مشخص خواهد شد و ما در این نوشتار فقط به بخشی از آن اشاره کردیم. اما یقیناً در بحث آموزش مجازی مشکلاتی وجود دارد که برای رفع آنها نیاز به بررسی های عمیقی است.

از جمله کارهای مهمی که در آموزش و پرورش باید رخ دهد، اصلاح زیرساخت های آموزشی و پرورشی است. یکی از این زیر ساخت ها که نیاز به اصلاح و بررسی دارد، خودمحموری دانش آموزان و خودیادگیری آنهاست که راه حل بسیاری از مشکلات آموزشی است.

دانش آموز باید متفکر، خلاق، خودباور و ..... یادگیرنده باشد. دانش آموزان باید "چگونه یاد گرفتن" را یاد بگیرند. آنها می توانند از منابع مختلف یادگیری به راحتی استفاده کنند؛ در این صورت معلم فقط یکی از منابع یادگیری خواهد بود، نه همه ی آن.

اگر این باز تعریف عملیاتی شود، در صورت وقوع تعطیلات پیش بینی نشده، آموزش و یادگیری تعطیل نمی شود.. در واقع این امر که ما به دانش آموزان و در کل کودکان و نوجوانان و جوانان فرصت یادگیری و تعلیم و تربیت به صورت خود محور و آزادانه را بدهیم، صرفاً منوط به زمان کرونا نیست. این امر باید بسیار زودتر در زیر ساخت های آموزش و پرورش قرار می گرفت. تمام این سالهای آموزشی و نتایج آن سند کافی است بر این ادعا که دوران یادگیری از متکلم وحده بودن آموزگاران و فعالیت یک جانبه و اصطلاحاً دیکته کردن امر آموزش و پرورش به اتمام رسیده است. ما به نسلی خلاق



و متفکر و گاهی نقاد نیازمندیم که این سیستم آموزشی و پرورشی حال، همچین آرمانی به ما نخواهد داد. شاید کرونا فرصتی باشد بر این امر که ما تحولی در زیر ساخت ها و ساختار آموزش و پرورش داشته باشیم که در نهایت امر؛ نسلی بهتر و کارآمدتر و در نتیجه جامعه ای بهتر و شکوفاتر و آرمانی تر داشته باشیم ان شاءالله..

#### نتیجه:

با توجه به تعاریفی که از تعلیم و تربیت بیان گردید، سعادت و شقاوت انسان در گرو شناخت صحیح خود و جهان و خداوند است. آموزش و پرورش یک امر لاینفک از وجود انسان است و او در تمام مسیر رشد و زندگی اش بدان محتاج بوده است. فعالیت های آموزشی و پرورشی در فضای خانواده و بستر خانه و خانواده برای انسان آغاز می شود و در همه ی جوامع به مرور به بستر دیگری به نام مدرسه و جامعه تغییر می یابد.

در هر جامعه و تفکر مدنی بحث تعلیم و تربیت مسیر معینی را طی میکند که یقینا دارای زیرساخت هایی مختص خود است. اصولا انتظار می رود که این زیرساخت ها و برنامه ریزی ها با فرهنگ و تاریخ هر جامعه ای همخوانی داشته باشد.

اما مطلب حائز اهمیت این است که با توجه به مرور زمان و دوران گذار و پیشرفت در هر جامعه ی بشری سیستم آموزش و پرورش نیاز به بروز رسانی دارد. اما این بروز رسانی ها باید به صورتی باشد که کاملا تخصصی بررسی شود و نتیجه ی آن از دست رفتن نسلی یا مورد آزمایش قرار گرفتن فرزندانمان نباشد.

همانطور که گفتیم آموزش و پرورش نیاز لاینفک انسان و جامعه است و یقینا امری بسیار حساس می باشد و نقطه ی عطف حساسیت آن این است که با کودکان و فرزندان یک جامعه سروکار دارد. این یعنی آینده ی یک ملت و جامعه.

حال این امر تحت تاثیر هر تغییر و تحول و اتفاقی قرار خواهد گرفت. در همه ی جوامع هر اتفاقی اعم از طبیعی و غیر طبیعی، اولین جایی که عوارض خود را نشان خواهند داد بحث آموزش و پرورش است. در این قرن های اخیر یکی از

عوامل بسیار مخرب بر امر آموزش و پرورش اتفاق تلخ جنگ های جوامع است. جنگ های مختلفی که از هر مدلی که باشد اولین قربانی آن کودکان هستند که یا جانشان مورد حمله قرار می گیرد یا آینده شان.

در این یک سال و اندی که بر جهان گذشت بیماری کرونا که به نوبه ی خود یک جنگ بود تمام سیستم آموزش و پرورش را تحت تاثیر گذاشت و سبک زندگی را در تمام مراتب این امر تغییر داد. این سبک ها خوبی ها و بدی هایی داشت و دارد که به برخی از آنها به مختصر اشاره شد.

با توجه به اینکه پایان این بیماری و جنگ ها مشخص نیست پس سیستم آموزش و پرورش در جوامع بهتر است در زیرساخت های خود تغییراتی را لحاظ کنند که وجود انسانی کمتر دچار صدمه شود.

زیرساخت ها می تواند در مسیرها و جایگاه های مختلف عنوان شوند و می توانند زیرساخت های کارآمد و متفاوتی باشند.

یکی از این اصلاحات زیرساختی که در متن بدان اشاره شد همان گزینه ی تعلیم و تربیت دانش آموز متفکر و خلاق است که به طبع سیستمی دانش آموز محور می طلبد. در این حالت بچه ها از سنین پایین حدود 5 سالگی تا 12 سالگی می آموزند که مسیر یادگیری خودشان را پیدا کنند و بسازند. آنها افرادی متفکر و خلاق خواهند بود که هیچ امری بر آنها و مسیر آنها تاثیر چندانی نخواهد گذاشت. آنها کودکانی هستند که توانایی حل مشکلات را به نحو بهتری خواهند داشت و تا حد بسیار زیادی اتفاقی مسیرشان را مسدود نمی کند.

در این سیستم آموزشی چون تکیه ی دانش آموزان بر توانایی و عقل خودشان است دیگر بحث اختلاف طبقاتی و مشکلات شهر و روستایی و یا در دسترس بودن و نبودن آموزگاران به این شدت حال مطرح نیست و شاید آموزش و پرورش عادلانه تر خواهیم داشت.

به امید آنکه این بیماری از جهان رخت ببندد و تمام دنیا در آرامشی از صلح قرار گیرد. به امید جامعه ای بهتر و سالم تر... به امید جامعه ای شادتر و کودکانی با آینده ی روشن تر...

1. آرنولد گریز، فلسفه تربیتی شما چیست؟ ترجمه: شعبانی و همکاران. مشهد. انتشارات به نشر. 1382، ص 143.
2. همان، ص 150
3. همان، ص 153
4. همان، ص 155
5. همان، ص 158
6. آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن. زیر نظر علیرضا اعرافی. ج 2، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و انتشارات سمت، 1380، ص 79.
7. همان، ج 1، ص 231
8. درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی، فلسفه تعلیم و تربیت. با همکاری علی محمد کاروان و دیگران. قم. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، انتشارات سمت، 1379، ص 177
9. شکوهی، غلامحسین، تعلیم و تربیت و مراحل آن، ص 27
10. فرجاد، محمد علی، آموزش و پرورش تطبیقی، ص 13.
11. علاقه بند، علی، مبانی و اصول مدیریت آموزش، ص 8
12. علاقه بند، علی، مبانی و اصول مدیریت آموزش، ص
13. الماسی، علی محمد، تاریخ آموزش و پرورش اسلام و ایران، ص 12
14. علاقه بند، علی، ص 8
15. ریحانه فرخ زاد. مجله شمیم یاس، بهمن 1386، شماره 59
16. حسین قربانی، تأملی بر آثار و پیامدهای شیوع ویروس کرونا در میدان مدرسه، صدای معلم
17. ( آثار مثبت و منفی کرونا بر آموزش، خبرگزاری دانشجویان ایران